

شناسایی صلاحیت های حرفه ای معلم اثر بخش

چکیده

هدف پژوهش شناسایی صلاحیت های حرفه ای معلمان اثربخش است. روش پژوهش کیفی از نوع مروری با بررسی مقالات مرتبط است. معلمی جایگاهی است که شأن و منزلت و نقش او در تربیت انسان ها بر کسی پوشیده نیست. مربی حقیقی انسان ها پروردگار جهانیان است و سپس به وسیله واسطان فیض او و هدایت گران زمینی اش انبیا برای بشریت تبیین می شود. معلمان بعد از انبیا وارثان رسالت تعلیم و تربیت انسان ها هستند و مسئول پرورش روح انسانی آدمی و سوق دادن عقل او به سوی کمال و در نهایت رضایت و خشنودی پروردگار می باشند. در این مقاله قسمت هایی از چندی از صاحب نظران امر تعلیم و تربیت اسلامی را در مورد ویژگی های یک معلم خوب مورد بحث و بررسی قرار می دهیم تا این نکته مهم را در امر تعلیم و تربیت مورد توجه جدی قرار دهیم که معلم رکن اصلی و اساسی تعلیم و تربیت است. لزوم توجه به گزینش و پرورش انسان های متعالی و دارای صفات اخلاقی برجسته و دارای تخصص و تعهد ما را بر آن داشته است تا بیشتر در این باره تلاش کرده و تعلیم و تربیت اسلامی فرزندانمان را جدی بگیریم تربیت معلمان متعهد و متخصص و دارای ویژگی های انسانی وارسته مورد تاکید قران و اهل بیت و امامان معصوم ما بوده و هست و این امر میسر نمی شود مگر با تلاش های مضاعف مدیران و مسئولین نظام جمهوری اسلامی ایران.

واژگان کلیدی: تعلیم و تربیت اسلامی، جایگاه معلم، معلم

معلم اساسی ترین عنصر اجرای برنامه درسی اثربخش است. عوامل متعددی در کنار هم بر رفتارهای معلم تأثیر می گذارند تا تجربه یادگیری دانش آموزان و تجربه آموزشی خود معلم در موقعیت کلاس درس شکل بگیرد. از بین این عوامل می-توان به نظام برنامه-درسی، باورهای معلم، مدیریت مدرسه، امکانات و تجهیزات، شرایط دانش-آموزان، ویژگی-های جامعه، ویژگی-های شخصیتی معلم و مهارت‌های تدریسی او اشاره نمود (موجیس و همکاران، ۲۰۱۷: ۳۴). در دنیای واقعی، مجموعه این عوامل در کنار هم و در کنش و واکنش با یکدیگر، رفتارهای آموزشی معلم را در موقعیت آموزشی خاص شکل می دهند. لیکن معلم محور این کنش و واکنش ها و شکل دهنده تعاملات آن موقعیت است و او سایر عوامل را در راستای تدریس خود به کار می گیرد. غالباً معلمان از طریق آموزش های پیش از خدمت و حین خدمت برای پذیرش چنین نقشی آماده می شوند ولی در موقعیت عملی، آن‌ها در انجام وظایف و نقش های معلمی با یکدیگر تفاوت دارند(کلاسن و همکاران، ۲۰۱۴).

در گذشته با سیطره منطق تایلری و حاکمیت رویکردهای خطی بر نظام برنامه درسی، غالباً نقش معلمان به اجرای وفادارانه برنامه درسی در کلاس درس محدود می شد و معلمان در دوره های تربیت معلم برای پذیرش چنین نقشی پرورش می یافتند؛ ولی در دهه های اخیر از یک سو با توسعه نظریه هایی مانند معلم به عنوان پیونددهنده نظریه و عمل جان دیویی، معلم به عنوان کارگزار فکور دونالد شون، معلم پژوهنده استن هاوس، نظریه یادگیری تجربی دیوید کلب و نظریه سازنده-گرایی ویگوتسکی رویه-ها در تربیت معلم و نقش و وظایف او در موقعیت آموزشی نیز تغییر کرده است(طلایی و همکاران، ۲۰۱۵). در این رویکرد معلم به جای انتقال دانش، باید در نقش سازنده برنامه درسی، پرورش دهنده تفکر و نگرش دانش آموزان ایفای نقش کند و مسئولیت های اخلاقی و اجتماعی تربیت دانش آموزان را بپذیرد. او باید محیط یادگیری شاداب و فعالیت محور در کلاس برای دانش آموزان ایجاد نماید و به گونه ای رفتار کند که دانش آموزان از رفتار و گفتار او بیاموزند.

از طرف دیگر توسعه فناوری-اطلاعات و ارتباطات (فاوا) و تلفیق آن در برنامه های درسی موجب تحول در نقش های معلمان شده است. استفاده از فاوا برای معلمان در عصر جدید دیگر یک انتخاب نیست؛ بلکه از الزامات جامعه اطلاعاتی و در راستای تحقق رسالت های آموزش و پرورش و کیفیت بخشی به آن است. معلمان برای استفاده مطلوب از محیط های یادگیری مبتنی بر فاوا باید به جای ارائه محتوا، در نقش راهنمای یادگیرندگان، ایجادکنندگان شبکه ها و روابط، تدوین کنندگان معیارهای ارزیابی و تشخیص منابع، طراح فعالیت-های یادگیری، بازخورد دهنده و تأمل کننده ظاهر شوند (کالاقان، ۲۰۱۲). کهلر و میشر چارچوبی را برای تربیت معلمان در جامعه اطلاعاتی ارائه داده-اند. آن‌ها با بهره-گیری از دیدگاه شولمن، بعد سومی را به آن افزودند و تأکید کردند که در عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات، معلمان باید درک صحیحی از نحوه استفاده از فناوری ها در تدریس، طراحی فعالیت های یادگیری و ارزشیابی آموزشی داشته باشند. براساس این چارچوب،

معلم اثربخش در عصر فاوا کسی است که بتواند دانش محتوایی، دانش تربیتی و دانش فناوری را به نحو مناسبی با یکدیگر تلفیق نماید (کهلر و همکاران، ۲۰۰۹).

در آن سو معلمان اثربخش دارای رفتارهای کاریزماتیکی هستند که غالباً در شخصیت این افراد نهفته است و با به کارگیری اصول تربیتی می توان آن‌ها را از طریق دوره های تربیت معلم در معلمان پرورش داد. این معلمان در رفتار و گفتار خود از سایر معلمان متمایزند. آن‌ها از لحاظ رفتاری در نشان دادن شور و اشتیاق به تدریس، توانایی گوش دادن، شوخ طبعی و ارتباط مؤثر با دانش آموزان و از لحاظ گفتاری در فن بلاغت و بیان، استفاده از استعاره ها و تشبیه ها، استفاده از داستان و روایت ها و تصویر سازی های ذهنی توانایی های خاصی دارند (مظفری، ۲۰۱۶). در واقع در رفتارهای معلمان کاریزماتیک نشانه هایی از پویایی، طبیعی بودن، علاقه مندی، صمیمیت، تسلط و صداقت دیده می شود که آن‌ها را در بین معلمان متمایز می سازد. این رفتارها را متناسب با کلاس درس می توان به عنوان معیار تشخیص معلم اثربخش چنین برشمارد: علاقه به موضوع تدریس، شوخ طبعی، مهربانی با دانش آموزان، برقراری ارتباط مؤثر و مهارت در گوش دادن، برخورداری از فن بیان، استفاده از استعاره، تشبیه و داستان و برقراری تناسب بین گفتار و رفتار. (لام، ۲۰۱۴).

دبیران دوره دوم متوسطه با دانش آموزانی سروکار دارند که آن‌ها در ابعاد مختلف رشدی، تغییر و تحولاتی را تجربه می کنند. دانش آموزان این دوره از لحاظ فیزیکی، با بلوغ جسمانی و تغییرات ظاهری و تلاطم های درونی مربوط آن روبه رو هستند. از لحاظ شناختی به تدریج وارد مرحله تفکر انتزاعی و صوری می شوند و ضمن برداشت های ذهنی و انتزاعی وارد عرصه نسبی اندیشیدن درباره اخلاق می شوند. آن‌ها از لحاظ اجتماعی برای دستیابی به هویت تلاش می کنند و برای تثبیت هویت، تعاملات خود را بیش از گذشته با همسالان گسترش می دهند. این دانش آموزان از نظر فردی به دنبال کسب استقلال فکری، اقتصادی و اجتماعی هستند. مجموعه این تحولات از یک سو توجه آن‌ها را به سمت دنیای واقعی آینده، شغل و موقعیت اجتماعی و از سوی دیگر به سمت درک مسائل اجتماعی، عاطفی و هیجانی جلب می کند (برک، ۱۳۹۲). از این رو دبیران دوره متوسطه در موقعیت اجرای برنامه درسی با دانش آموزانی روبرو هستند که نیازهای ویژه و مسائل خاصی را تجربه می کنند. این مسائل بخش مهمی از زندگی شخصی، اجتماعی و تحصیلی آن‌هاست؛ بنابراین از یک سو نیازهای متنوع دانش آموزان متوسطه در عصر حاضر و از سوی دیگر تحول در نظریه های یادگیری و ضرورت تلفیق فاوا در برنامه درسی، انتظارات از معلمی و نقش معلمان را دستخوش تغییر کرده است.

پژوهش های متعددی در زمینه شناسایی ویژگی های معلمان اثربخش مورد مطالعه قرار گرفته است. (زری و همکاران، ۱۳۹۶) با بررسی منابع مرتبط مدلی برای تبیین معلم اثربخش ارائه کرده اند و در آن بر شش مؤلفه صلاحیت حرفه ای، ویژگی های شخصیتی، مدیریت کلاس درس، مهارت های تدریس، نظارت و پایش و ارزشیابی به عنوان ابعاد معلم اثربخش تأکید کرده اند. (سلطانی و همکاران، ۱۳۹۵) عوامل مؤثر بر تدریس اثربخش دبیران متوسطه را از دیدگاه دبیران و مدیران بررسی و آن‌ها را به چهار دسته؛ عوامل تدریس حرفه ای، اخلاق آموزشی، همکاری گروهی و یادگیری تسلط یاب طبقه بندی می کنند.

(عبدالهی و همکاران، ۱۳۹۳) هفت صلاحیت مهم معلم اثربخش در شهر تهران را با استفاده تحلیل عاملی شناسایی کرده اند که عواملی مانند داشتن پیش‌نیازهای معلمی، ویژگی‌های شخصی، برنامه ریزی و آمادگی، مدیریت و سازمان‌دهی کلاس درس، تدریس، نظارت بر پیشرفت و توان دانش‌آموزان و مسئولیت‌های حرفه‌ای را در برمی‌گیرد. (سبحانی زاده و همکاران، ۱۳۹۱) با تحلیل پژوهش‌های رفتارهای دبیران موفق دوره متوسطه را در چهار دسته؛ ویژگی‌های شخصیتی، اداره کلاس درس، تدریس و ارزشیابی طبقه‌بندی می‌کنند. در این پژوهش مواردی مانند درک احساسات و نیازهای دانش‌آموزان، مهربانی با دانش‌آموزان، احساس مسئولیت در قبال دانش‌آموزان، با طعنه و کنایه حرف نزدن، احترام قائل شدن به همه دانش‌آموزان، روحیه انتقادی داشتن، شوخ‌طبعی و داشتن انتظار بالا از دانش‌آموزان به عنوان ویژگی‌های شخصیتی؛ انجام حضور و غیاب، حضور به‌موقع در کلاس درس، ایجاد نظم در کلاس، ایجاد جو صمیمی در کلاس، ارائه مطالب درسی به صورت روشن، اشتیاق به تدریس و سؤال محوری در تدریس به‌عنوان رفتارهای اداره کلاس درس؛ بهره‌گیری از ابزارهای آموزشی، استفاده از روش‌های متنوع در تدریس، آغاز و پایان مناسب در تدریس، تقویت انگیزه دانش‌آموزان، تعامل با دانش‌آموزان، درگیر کردن دانش‌آموزان در موضوعات درسی به‌عنوان رفتارهای تدریسی و آگاهی از روش‌های ارزشیابی و انجام ارزشیابی مستمر به‌عنوان رفتارهای ارزشیابی دسته‌بندی شده‌اند.

مدل‌هایی که تاکنون در حوزه معلم اثربخش توسط پژوهشگران در تحقیقات صورت گرفته قبلی ارائه شده است اگر چه از لحاظ ساختاری به یکدیگر شبیه نیستند؛ اما علی‌رغم این تناقضات، این مدل‌ها از لحاظ محتوایی دارای وجوه اشتراکی باهم هستند. با این حال عدم ارائه مدلی جامع بر اساس ابعاد و مؤلفه‌های مربوطه، از جوانب مغفول مطالعات صورت گرفته قبلی می‌باشند. از سوی دیگر توجه به معلم اثربخش مورد تأکید اسناد بالادستی نظام آموزش و پرورش کشور جمهوری اسلامی ایران است ولی تاکنون مدلی در این راستا ارائه نگردیده است و محققان در داخل کشور بیشتر بر شناسایی ویژگی‌های معلم اثربخش توجه داشته‌اند. (

با توجه به تنوع ابعاد و مؤلفه‌ها در پژوهش‌ها و مطالعات قبلی، ارائه مدلی که در برگیرنده تمامی ابعاد، مؤلفه‌ها، ویژگی‌ها و... باشد، ضروری به نظر می‌رسد؛ همچنین در راستای تأکیدات اسناد بالادستی، بررسی میزان تناسب مدل به دست آمده با استلزامات این اسناد بیش از پیش احساس می‌گردد. از این رو، هدف عمده این پژوهش آن بوده که ضمن داشتن نگاهی جامع به ابعاد و مؤلفه‌های معلم اثربخش مطرح در مطالعات و پژوهش‌های صورت گرفته، مدلی جامع ارائه و به بررسی وجوه اشتراکی و افتراقی این مدل با اسناد بالادستی نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران بپردازد. در این راستا سوال اصلی پژوهش شناسایی صلاحیت‌های معلمان اثر بخش است.

روش پژوهش

روش پژوهش با توجه به اینکه هدف پژوهش حاضر شناسایی صلاحیت های حرفه ای معلم اثر بخش است. این مطالعه از نظر ماهیت کیفی از نوع مروری محسوب می شود. روش کار نیز بدین صورت بود، از آنجایی که موضوع جدید بود با جستجوی واژه های کلیدی به زبان انگلیسی؛ همچون معلمان اثربخش، شایستگی یا صلاحیت های حرفه ای معلم، جایگاه معلم، معلم در تعلیم و تربیت در پایگاه های داده های معتبر جهانی از جمله؛ اسکوپوس، پرو کوئست، ساینس دایرکت، گوگل اسکالر، حدود ۲۴ مقاله استخراج گردید و ۳ کتاب بررسی شد، معیارهای انتخاب پژوهش ها برای ورود به تحقیق وجود کلیدواژه های مورد نظر در عنوان پژوهش بود، که پس از حذف پژوهش های تکراری و غیر ضروری از نتایج بازیابی شده ۲۰ پژوهش انتخاب و در پژوهش وارد گردید.

تسلط بر روش های تدریس

تسلط معلم بر روش ها و فنون آموزشی یکی از ملاک های شایستگی معلمان به حساب می آید. در واقع بسیاری از صاحب نظران این ملاک را بر دیگر ملاک های شایستگی معلمان ترجیح می دهند. پیروان این ملاک معلم را مانند فرد صاحب فن دیگری می دانند که هر چه بر فوت و فن کارش مسلط باشد در کارش موفق تر خواهد بود، (ملکی، ۱۳۸۵) روش عبارت است از سازماندهی فرآیند یاددهی - یادگیری و روش تدریس عبارت است از تعامل یا رفتار متقابل معلم و شاگرد بر اساس طراحی منظم و هدفدار معلم برای ایجاد تغییر در رفتار شاگرد (شعبانی، ۱۳۸۴)

در یک تدریس موفق و اثر بخش علاوه بر شخصیت و مقام و منزلت معنوی و اعتبار معلم در نزد شاگردان شناخت انواع روش های تدریس و توانایی بکارگیری آنها در کلاس درس از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. چرا که اگر روش های تدریس به کار گرفته شده نا مناسب باشد و با محتوای مورد همخوانی نداشته باشد و یا اینکه معلمان به روش های تدریس مورد استفاده تسلط نداشته باشند، در این صورت معلوم نخواهد بود که بر سر اهداف آموزشی که همه تلاش ها و امکانات در خدمت تحقق آنها هستند در مدارس و کلاس های درس چه خواهد آمد تدریس می تواند زیبا باشد، دلچسب و برانگیزاننده باشد، امید بخش باشد، اثر بخش باشد، پویا باشد وقتی که معلمان در بکارگیری روش های تدریس مهارت داشته باشند.

تسلط بر روش های تدریس از آنجا در امر آموزش اهمیت دارد که گروهی از صاحب نظران و علمای تربیت، تسلط به روش های تدریس را مهمتر از دانش و اطلاعات علمی معلم ارزیابی می نمایند. به طور کلی تجربه نشان داده است معلمانی که به روش های تدریس مسلط بوده اند از دیگر همکاران خود که تنها به اطلاعات علمی تکیه داشته اند موفق تر بوده اند. (یغما، ۱۳۷۴)

خودآگاهی

یکی از مهمترین و بنیادی ترین مهارت ها در معلم ، شناخت خود است یعنی توانایی و ظرفیت فرد در شناخت خویشتن و نیز شناسایی خواسته ها ، نیازها و احساسات خویش. این مهارت آن چنان اهمیت دارد که در دین مبین اسلام نیز به آن تاکید و توجه زیادی شده است در دنیای معلمی نیز خود آگاهی می تواند به توانمندی معلمی منجر شود که می داند چگونه از توانایی های خود در مناسب ترین حالت استفاده کند. معلمی که شناخت خوب و کاملی از خود داشته باشد ، پیش از هر چیز توانایی خود را در نظر می گیرد و در صورتی که احساس کند به درستی از عهده ی انجام این کار بر نمی آید ، شیوه ی دیگری را انتخاب می کند .

- داشتن علم و اطلاعات عمومی و تخصصی

- داشتن هنر در برقراری رابطه صمیمی و دوستانه

- داشتن حس شوخ طبعی

- حسن ظن داشتن (خوش بین بودن)

- رعایت عدالت و انصاف

- انتظارات کار آمد، بزرگ و معقولانه

- سازگاری با دانش آموزان

- انعطاف پذیری (وبلاگ آموزگار)

تسلط بر روش های ارزشیابی

ارزشیابی به یک فرایند نظامدار (سیستماتیک) برای جمع آوری، تحلیل و تفسیر اطلاعات گفته می شود، به این منظور که تعیین شود آیا هدفهای مورد نظر تحقق یافته اند یا در حال تحقق یافتن هستند و به چه میزان. همانطور که از تعریف ارزشیابی پیداست ارزشیابی یک فرایند است فرایندی که از طریق آن میزان تحقق اهداف ارزیابی می شوند. از این تعریف در می یابیم که ارزشیابی نمی تواند به عنوان هدف مطرح شود و فرایند آموزش را تحت تأثیر قرار دهد. ارزشیابی با واژه هایی چون آزمودن، سنجش، اندازه گیری تفاوت دارد. اندازه گیری شامل سنجش و آزمودن است و خود اندازه گیری جزئی از ارزشیابی به شمار می رود.

سنجش هم مستقل از آزمودن است و هم می تواند علاوه بر آزمودن شامل فعالیتهای دیگری نیز باشد بنابراین از چهار مفهوم گفته شده ارزشیابی کلی تر از همه است، بعد اندازه گیری، نهایتاً سنجش و آزمون قرار دارند.

«ورتن و سندرز» دو تن از صاحب نظران در حوزه ارزشیابی آموزشی گفته اند، «در آموزش و پرورش، ارزشیابی به یک فعالیت رسمی گفته می شود که برای تعیین کیفیت، اثربخشی، یا ارزش یک برنامه، فرآورده، پروژه، فرایند، هدف، یا برنامه درسی به اجرا درمی آید. عمدتاً ارزشیابی از پیشرفت تحصیلی، ارزشیابی از میزان

یادگیری دانش آموزان است با این حال در یک برنامه ی کامل ارزشیابی دانش آموزی، متغیر های دیگری چون استعداد، هوش، شخصیت، نگرش، علاقه و جز این ها در نظر گرفته می شوند. برای این منظور داده های زیادی جمع آوری می گردند و وسایل مختلف اندازه گیری مورد استفاده قرار می گیرند از جمله وسایل اندازه گیری مورد استفاده می توان مواردی مثل آزمونهای معلم ساخته و میزبان شده، پروژه های کار عملی، گزارشهای شفاهی و مشاهدات رسمی و غیررسمی و غیره را نام برد. ارزشیابی تحصیلی از نوع ارزشیابی وابسته به ملاک است. در این نوع ارزشیابی نوعی ملاک مطلق که همان هدفهای آموزشی از پیش تعیین شده هستند مورد استفاده قرار می گیرند در این نوع ارزشیابی از آزمون شوندگان انتظار می رود که به هدفهای آموزشی معینی دست یابند یا به سطح به خصوصی از عملکرد برسند.

در استفاده از ملاک مطلق ارزشیابی پیشرفت تحصیلی، میزان یادگیری یا پیشرفت تحصیلی یادگیرنده با توجه به آن چه آموزش داده شده ارزشیابی می شود. به عبارتی کسب موفقیت در آزمونهایی که مبتنی بر ملاک مطلق هستند، مستلزم یادگیری هدفهای آموزشی در سطحی است که معلم تعیین می کند.

بسیاری از معلمان تصور می کنند که ارزشیابی از پیشرفت تحصیلی تنها به منظور ارتقای شاگرد صورت می گیرد، در حالی که هدف ارزشیابی به مراتب گسترده تر و مهم تر از چنین مفهومی است. ارزشیابی از یک سو باید وسیله ی تشخیص باشد، یعنی از جهاتی قادر باشد از میزان فعالیت‌های شاگردان در طول یادگیری و از میزان آموخته ها، پیشرفت و عقب ماندگی آنان اطلاعاتی معتبر به دست دهد و نیز بتواند آگاهی های لازم را از قدرت و ضعف روش تدریس معلم، ارزشمند و صریح بودن هدف های آموزشی و اعتبار محتوا در اختیار بگذارد و از سوی دیگر، ارزشیابی باید وسیله ی پیش بینی باشد، یعنی نشان دهد که شاگرد در چه زمینه ای قادر است موفقیت بیشتری کسب کند و در چه جنبه هایی توان پیشرفت ندارد. از این رو، معلمان و مسئولان آموزش و پرورش باید بدانند چرا ارزشیابی می کنند؟ به طور کلی، هدفهای ارزشیابی را در ۶ مورد زیر خلاصه کردیم:

۱- ارزشیابی به عنوان وسیله ای برای شناخت توانایی وزمینه های علمی شاگردان و تصمیم گیری برای انجام دادن فعالیت‌های بعدی آموزشی.

۲- ارزشیابی به عنوان وسیله ای برای شناساندن هدفهای آموزشی در فرایند تدریس.

۳- ارزشیابی به عنوان وسیله ای برای بهبود و اصلاح فعالیت‌های آموزشی.

۴- ارزشیابی به عنوان وسیله ای برای شناخت نارسایی های آموزشی شاگردان و ترمیم آنها.

۵- ارزشیابی به عنوان وسیله ای برای ایجاد رغبت و کسب عادت صحیح آموزشی در شاگردان .

۶- ارزشیابی به عنوان عاملی برای ارتقای شاگردان.

اهمیت و ضرورت ارزشیابی

اهمیت ارزشیابی در امر تحقق اهداف آموزشی از دید کسی پوشیده نیست به طوری که یکی از ارکان مهم در این راستا را ارزشیابی تحصیلی می نامند. اهمیت و ضرورت ارزشیابی را در فرایند فعالیتهای آموزشی از دو دیدگاه می توان مورد توجه قرار داد.

۱- از نظر معلم:

معلم در برنامه ریزی تدریس و تصمیم گیری در جریان فعالیتهای آموزشی، به داشتن اطلاعات زیاد و معتبر در زمینه آمادگی و پیشرفت تحصیلی شاگردان و بازده فعالیتهای کلاسی نیازمند است. اندازه گیری و ارزشیابی می تواند چنین اطلاعاتی را در اختیار او قرار دهد. این اطلاعات را میتوان در سه مقوله تقسیم بندی کرد.

الف) اشکالات و نواقص موجود در طرح آموزشی را از دیدگاه هدفها، محتوا، روشها، مواد و وسایل آموزشی و عناصر دیگر در اختیار معلم قرار دهد.

ب) میزان پیشرفت تحصیلی شاگردان و آمادگی آنان را برای آموزشهای بعدی مشخص می کند.

ج) کارآیی تدریس و کفایت ابزارهایی را که در اندازه گیری پیشرفت تحصیلی شاگردان به کار رفته است، نشان می دهد.

۲- از نظر شاگرد:

چنانچه ارزشیابی به نحو مطلوب انجام گیرد مستقیماً در بهبود چگونگی یادگیری شاگردان تاثیر می گذارد. زیرا:

الف) ارزشیابی برای جلب دقت و تلاش شاگردان برای یادگیری همچنین آگاهی از پیشرفت تحصیلی آنان انگیزه بسیار موثری است.

ب) شاگردان به وسیله ارزشیابی، به جنبه های مثبت و منفی خود در یادگیری پی خواهند برد و با راهنمایی معلم برای توسعه جنبه های مثبت و رفع نارسایی های آموزشی خود کوشش خواهند کرد.

ج) ارزشیابی مستمر سبب خواهد شد که مطالب آموزشی دائماً مرور شود و از یاد نرود.

د) نتایج ارزشیابی، شاگردان را به خود شناسی، که یکی از هدفهای مهم تعلیم و تربیت و عامل مهم برای تصمیم گیری های آگاهانه است، رهنمون می شود.

بدیهی است تحقق موارد فوق در صورتی امکان پذیر است که طرز تلقی معلم از ارزشیابی به عنوان وسیله تهدید یا بر چسب زدن شاگردان تغییر کرده باشد. و ارزشیابی را وسیله ای برای بهبود و یادگیری فرا گیران مورد استفاده قرار دهد. علاوه بر همه این ها ارزشیابی خود یک فعالیت آموزشی است که موجب یادگیری می شود. و شاگردان بسیاری از مفاهیم را در ضمن ارزشیابی فرا میگیرند.

امانت داری

معلم باید بداند امانتدار است نظیر پدر و مادر با این تفاوت که پدر و مادر دو سه وویا ده امانت دارند ولی یک معلم حداقل سی یا چهل امانت دارد و در طی سال ها خدمت صدها امانت زیر دست او تعلیم و تربیت می یابند و وارد اجتماع می شوند امانتی که در دست معلم است خطیر پر قیمت ظریف و حساس است و باد امانتدار باشد ذهن کودکان به مثابه دوربین عکاسی تمامی حرکات و رفتار اطرافیان را ضبط می کند و از این رو در هیچ حالتی نباید در رفتار و گفتار حالاتی بروز کند که تاثیر منفی در ذهن کودکان پدید آورد (مظاهری ۱۳۷۰: ۲۶).

رافت و مهربانی

یکی از صفات مومن در قران رافت و مهربانی بیان شده است " اشداء علی الکفار و رحماء بینهم " (سوره فتح ۲۹) پروردگار عالم روی این کلمه خیلی اصرار دارد و مخصوصا برای معلم ها. به موسی که پیامبر بود و مقام معلم داشت فرمود هنگام سخن با فرعون با زبانی نرم و مهربان سخن بگو تا سخنت در او اثر کند پس لازمه درک سخن زبانی نرم است "فقولا له قولا لینا" (سوره طه ۴۲) پروردگار میفرماید من ان قدر مهربانم که رحمت خود را به صد قسم تقسیم کرده ام و یک قسم را به عالم وجود داده ام محبتی که در عالم هست نظیر ان که مادر برای فرزند خویش خود را به زحمت می اندازد و یا این همه جاذبه و عشق ها که در میان انسان ها دیده می شود و در میان کل موجودات تنها از یک قسمت رحمت الهی است و ما قی رحمت همه مخلوقات است و این همان اولین سوره ای است که بر پیامبر نازل شده و در ان میفرماید که خداوند معلم است (مظاهری، ۱۳۷۰: ۳۵).

مراعات آداب و رسوم اجتماعی

معلم باید مراعات آداب و رسوم اجتماعی را بنماید چرا که بسیاری از سعادت های اجتماعی مرهون ادب و مراعات آداب و رسوم اجتماعی است و در زندگی رمزی است برای توفیقات یک معلم خوب باید مودب باشد تا شاگردانی مودب تحویل جامعه بنماید و الا زبان نباید رکاکت داشته باشد یعنی فحاشی تمسخر و نیش نباید بر زبان جاری شود در ثانی زبان باید دارای تلاف باشد قران کریم می فرماید که معلم نباید با خشونت صحبت کند بلکه با نرمی و مهربانی باید سخن بگوید و خطاب به معلم اول پیامبر اکرم (ص) فرموده است اگر دارای زبانی خشن بود اعراب جاهلیت از اطرافش پراکنده میشدند هر چند قران حق است "افبما رحمه من الله لنت لهم ولو كنت فظا غليظ القلب لانفضوا من حولك" (سوره ال عمران ۱۵۹). معلم باید خوب سخن بگوید و لحن و انتخاب لغاتش باید متعارف باشد گاهی حرکات و اعمال به ظاهر کوچک و معمولی تاثیر بزرگی پیدامیکنند که باید نسبت به ان ها دقت نمود در نظر گرفتن اطلاعات و شخصیت اجتماعی مخاطب در تفهیم و تفهم مطالب نقش اساسی دارد (مظاهری، ۱۳۷۰: ۴۲).

نشاط وشادابی

در اسلام بی نشاطی و کسل بودن نکوهش شده است از این رو معلمین در همه حال خصوصا در زمان تدریس در کلاس باید شاداب باشند نشاط و سر گرمی از عوامل موثر در موفقیت است و سعادت دنیا و آخرت را در پی دارد معلمین باید سعی وافر نمایند که مشکلات شخصی خارج از محدوده تدریس در کلاس بروز ندهند چون مستقیما در شاگرد تاثیر منفی خواهد گذاشت یک معلم باید با لباس های پاکیزه و ارسته وارد کلاس درس شود و شاگرد را با عمل پرورش دهد پیامبر اکرم قبل از خروج از منزل مقابل ایینه می ایستادن و خود را مرتب مینمودند اگر ایینه نبود مقابل اب می ایستادن همچنین پیامبر اکرم پوشیدن لباس های تیره و سیاه را مکروه دانسته اند و فرموده اند اگر برای امت من باعث مشقت نم شد مسواک کردن را واجب می نمودم این روایت بیانگر آن است که ایشان نظافت را به منزله جزئی از ایمان یک مسلمان محسوب می کرده اند (مظاهری، ۱۳۷۰؛ ۵۹).

سعه صدر

از ویژگی های هر معلم خوب دریا دل بودن توانایی پشت سر گذاشتن مشکلات و قدرت مقابله با مصائب است و این به معنی داشتن سعه صدر است هنگامی که موسی (ع) به رسالت مبعوث شد از خداوند طلب شرح صدر نمود " قال رب اشرح لی صدري ویسر لی امری واحلل عقده من لسانی یفقهوا قولی "(سوره طه ۲۵). خداوند با به من شرح صدر وسیینه گشاده عنایت کن و کارم را اسان بنما گره ازبانم بگشا تا قادر باشم منظورم را به مردم بفهمانم .

پس از این ایه میتوان فهمید لازمه موفقیت در کار و فهماندن سخن به مردم سعه صدر است معلمانی که از سعه صدر برخوردارند توانایی شکوفا نمودن استعداد شاگردان خود را دارند مشکلات همیشه هستند پس باید در مقابل آن ها ایستاد و با سعه صدر گره ها را گشود و اگر مقاومت نشود مصائب بزرگ تر پدیدار خواهند شد (مظاهری، ۱۳۷۰؛ ۶۹).

اخلاص

معلمی که می خواهد کارش برای جامعه مفید و پربرکت باشد اخلاص باید داشته باشد اخلاص آن است که برای خدا انجام شود و مدرسه و کلاس و گفتار و کردارش همه و همه رنگ خدایی داشته باشند و در این حالت کلاس او علاوه بر این که مکتب و مسجد است کارش بهترین کارها و افضل عبادات در اسلام است و اگر کار برای خدا نباشد اگرچه برای فرهنگ و مملکت و جامعه مفید باشد دارای آن ثواب عظیم نخواهد بود (مظاهری، ۱۳۷۰؛ ۷۰).

نتیجه گیری

به طور کلی، برای معلمان، دو نقش یا دو وظیفه منظور گردیده است. نخستین وظیفه آنان، مسئولیتی است که در برابر فرهنگ جامعه خود بر عهده گرفته اند و دیگر، وظیفه ای که در قبال شاگردان پذیرفته اند. این دو وظیفه اغلب همزمان با یکدیگر انجام می گیرد.

نقش معلم نسبت به فرهنگ

منظور از فرهنگ، طرز زندگی معمول یا میراث اجتماعی مردم است و محصول هرگونه تجربه های انسانی است که در پرتو آن، گروهی از مردم به راه و رسم زندگی خود ادامه می دهند. یکی از وظیفه های هر معلمی، انتقال بخشی از ویژگی های فرهنگ ملت خود، به نسل جوان جامعه است که مورد تأیید اکثر مردم قرار گرفته باشد. اما باید توجه داشت آموزش و پرورشی که فقط به حفظ دستاوردهای گذشته و فرهنگ موجود بپردازد، نمی تواند پویا، مترقی و متحول به شمار آید. بنابراین، ممکن است برای معلم چهار وضع یا حالت پیش آید:

یک. نفی فرهنگ موجود: معلمانی که میراث فرهنگ ملی را نادیده می انگارند، آن را عامل عقب ماندگی می شمارند و معتقدند که چنین فرهنگی برخلاف طبیعت، آزادی و آرزوهای بشری است و پیروی از آداب و رسوم آن، نادرست و ابلهانه است. بدین جهت، می کوشند شاگردان خود را از تعلق به چنین فرهنگی نومید و دلسرد نمایند.

دو. طرح فرهنگ نو: چون این دسته از معلمان، افرادی نوگرا و تجدد طلبند، به طرح و ایجاد فرهنگ آرمانی و متعالی خود، دست می زنند. برای اجرای این منظور به شاگردان خود، نگرش ها، ارزش ها و معلوماتی را می آموزند که سبب حرکت آنان به سوی آرمان های آنان می گردد.

سه. حفظ فرهنگ موجود: گروه دیگری از معلمان، خود را حامی و پشتیبان فرهنگ جامعه خود می شمارند و برای ارزش ها، اعتقادات، دانش های ملی و میهنی، اهمیت فراوانی قایلند. فرهنگ موجود را، آن گونه که هست، ارج می نهند، به تجلیل و ستایش نقاط مثبت آن می پردازند و می کوشند آن را بی کم و کاست، به نسل های بعدی تحویل دهند.

چهار. اصلاح فرهنگ موجود: این دسته از معلمان بدون دلیل منطقی، به نفی و تغییر یا حفظ فرهنگ، کوشش نمی کنند، بلکه آن را مورد ارزیابی دقیق قرار می دهند. جنبه های مثبت و منفی، سودمند و زیان آور آن را مشخص کرده و سعی می کنند، تضادهایی که در فرهنگ وجود دارد، روشن سازند و راه حل احتمالی آنها را بیابند تا از صدمه زدن به معیارهای ارزشمند آن جلوگیری کنند.

وظایف معلم در قبال موفقیت دانش آموزان

معلمان خوب، در تضمین موفقیت و پیشرفت شاگردان خود، وظیفه مهمی بر عهده دارند و قبل از هر شرطی لازم است دو پیش نیاز زیر را دارا باشند:

یک. علاقه به تدریس: پژوهشگران، عشق و علاقه به تدریس را، نخستین پیش نیاز هنر معلمی دانسته اند و این نباید به آن معنا باشد که معلمی شغل شریف و مورد احترام مردم است، بلکه بدان سبب که، تا کسی به کار تدریس علاقمند نباشد، نمی تواند در موفقیت شاگردان نایل آید.

دو. توانایی ایجاد علاقه در شاگردان: تنها علاقه خود معلم به موضوع درسی، کافی نیست، معلم باید بتواند این علاقه را در شاگردان خود نیز ایجاد کند. تدریس خوب و مؤثر نیاز به مهارت دارد و این هنگامی حاصل می شود که معلم نشان دهد، هم به شغل خود و هم به کار تدریس علاقمند است. معلمانی که به درس علاقه دارند، اما نسبت به شاگردان خود، بی تفاوت هستند، کلاسشان اغلب سرد و کسل کننده جلوه می کند. (محمد پارسا، ۱۳۸۴)

عوامل مؤثر در کارآیی معلم

بومی بودن: اینکه معلم متعلق به همان منطقه مورد اشتغال باشد.

همزبانی: از نوعی عامل فرهنگی حکایت می کند، زیرا زبان از ارکان انسجام فرهنگی است.

اشتراک رأی: به هم نظر بودن و مشابهت آرا و عقاید معلم و شاگردان از لحاظ مذهبی، سیاسی، اخلاقی و... مربوط می شود و به طور کلی، یک عامل مثبت در کارآیی تدریس است، هر چند نباید الزاما معلم و شاگردان، هم رأی باشند

نگرش شغلی: طرز تلقی از شغل خود یا خصوصیات دیگری از جمله رضایت یا عدم رضایت و بی تفاوتی را شامل می شود.

برنامه ریزی معلم: طرح تدریس و برنامه ریزی معلم از جلسه اول تا آخرین جلسه، امری مهم است و موجب افزایش کارآیی معلم می گردد. (غلامعلی سرمد، ۱۳۷۶)

ویژگی های معلم از نظر جان دیویی

جان دیویی، از فلاسفه تعلیم و تربیت در قرن اخیر، که معتقد است معلم خوب باید دارای ویژگی های زیر باشد:

معلم خوب، باید به تفاوت های فردی شاگردان خود، آگاهی داشته باشد.

معلم خوب، باید قدرت هدایت کلاس به سوی هدف های مشخص شده را داشته باشد.

معلم خوب، باید احساسات سلطه جویانه خود را کنترل کند. (حسین خنیفر، ۱۳۸۲)

هرچند یک معلم خوب و موفق در موقعیت ها و محیط های مختلف، متفاوت است، با این حال، معلمان خوب به طور کلی، خصوصیات مشترکی دارند از قبیل:

علاقه به تدریس: به این معنی که معلم باید به خود تدریس و موضوع مورد تدریس، علاقه داشته باشد.

ثبات عاطفی و روانی: معلم به عنوان یک رهبر و الگوی رفتاری باید در افکار و اعمالش ثبات داشته باشد و تحت تأثیر عواطف و هیجاناتش تصمیم گیری نکند، به طوری که دانش آموزان بتوانند به او اعتقاد و اطمینان داشته باشند.

ادامه به تحصیل: معلم کسی است که همیشه احساس نیاز به یادگیری و فراگیری مطالب تازه داشته باشد و مطالعات خود را پس از کسب مدرک تحصیلی متوقف نکند.

حس مهربانی و همدردی با دانش آموزان: معلم باید رفتارش به گونه ای باشد که دانش آموزان بتوانند، آزادانه ناراحتی ها و مشکلات خود را با او در میان بگذارند و مطمئن باشند به خاطر اشتباهات مرتکب شده، مورد انتقاد او واقع نخواهند شد.

روحیه همکاری: یک معلم خوب همیشه آماده همکاری با دیگر معلمان است، خصوصا اگر احساس کند که وجودش در این همکاری مؤثر و لازم است.

صبر و بردباری: یکی از خصوصیات که واقعا یک معلم خوب باید از آن برخوردار باشد، بردباری است. زیرا اصولا معلم با کودکان و نوجوانان سروکار دارد و این افراد به خاطر کمی سن و تجربه، گاهی رفتارهایی از خود بروز می دهند که اگر معلم بردباری کافی نداشته باشد، موجب ناراحتی خواهد شد.

رعایت انصاف در ارزشیابی ها: دانش آموزان به اظهار نظر معلم در مورد خود، خیلی اهمیت می دهند و چنانچه ارزشیابی معلم منصفانه نباشد، موجب کینه و دشمنی و در نتیجه دوری گزیدن برخی از دانش آموزان از معلم می گردد، که این حالات عاطفی، ثمرات بدی در پی خواهد داشت.

آشنایی با اصول روان شناسی: معلم باید علاوه بر داشتن تخصص در زمینه ای خاص که تدریس می نماید، با اصول کلی روان شناسی نیز باید آشنایی داشته باشد. چنانچه معلم با قوانین رشد، یادگیری، خصوصیات سنی گروه های مختلف و... آشنا باشد، خیلی از مسائل و مشکلات را می تواند به آسانی توجیه کرده و راه حل آنها را بیابد.

قدرت بیان: خوش صحبتی و قدرت بیان، یکی از عواملی است که در ایجاد رابطه با افراد، فوق العاده مؤثر است و معلم باید حتما از این نیرو برخوردار باشد. بسیاری از افراد، باسواد و مطلع هستند ولی در اظهار مطالب و تفهیم آن به دیگران، ناتوانند.

یک معلم خوب کسی است که مرتب از فعالیت های آموزشی که انجام می دهد، ارزشیابی به عمل آورد. یعنی با توجه به هدف های آموزشی و رفتاری که در آغاز شروع هر کلاس در نظر دارد، باید ببیند تا چه حد به این هدف ها دست یافته و تا چه حد توانسته در دل دانش آموزان نفوذ کند و مورد تأیید آنها واقع شود.

آراستگی ظاهر: معلمی که در روز، چندین ساعت در برابر دانش آموزان کلاس ظاهر می شود، باید از نظر ظاهر کاملا آراسته، پاکیزه و منظم باشد. (کاربرد روانشناسی در آموزش، صص ۲۱۵-۲۱۷)

ویژگی های معلم در مورد پیشرفت تحصیلی دانش آموزان

در زمینه اثربخشی فعالیت معلم، پژوهش هایی صورت گرفته است که براساس این پژوهش ها، ویژگی های زیر را فهرست کرده اند:

استفاده متنوع از مطالب و روش های تدریس

آموزش همراه با شور و شوق
رفتار آموزشی مطابق با وظیفه و کار آموزشی
پرهیز از عیب جویی و انتقادات تند و خشن
استفاده بیشتر از سبک تدریس غیرمستقیم
تأکید بیشتر بر محتوای آموزشی. (نگاهی دوباره به روش ها و فنون تدریس، ص ۸۵)
بنابر آنچه گفته شد، می توان نتیجه گرفت یک معلم خوب:
رابطه اش با دانش آموزان مثبت است.
به احساسات دانش آموزان توجه می کند.
نظم و کنترل کلاس را در اختیار دارد.
محیط مطلوبی برای یادگیری پدید می آورد.
از کار با دانش آموزان لذت می برد.
دانش آموزان را به فعالیت های یادگیری می کشاند.
خلاق و نوآور است.
به آموزش مهارت خواندن تأکید دارد.
دانش آموزان را به داشتن تصویر خوبی از خود هدایت می کند.
به طور جدی در فعالیت های رشد حرفه ای خود شرکت می کند.
انعطاف پذیر است و به موضوع درسی تسلط کافی دارد.
ثابت قدم است و عادلانه رفتار می کند. (نظارت و راهنمایی تعلیماتی، ص ۵۵)

- احدیان، محمد. آقازاده، محرم. راهنمای روش های نوین تدریس. انتشارات آبیژ، ۱۳۷۸.
- باتلر، روبرت تی. الفبای مدیریت کلاس درس. ترجمه محمد رضا سرکار آرنی. نشر مدرسه، تهران؛ ۱۳۷۹.
- بهرنگی، محمد رضا. الگوهای جدید تدریس. انتشارات تابان، تهران؛ ۱۳۷۸.
- حوری زاد، بهمن. غنی سازی فرهنگ آموزش. نشر لوح زرین، تهران؛ ۱۳۸۵.
- موبرگ، رندی. روش های انفجاری تدریس. ترجمه پرویز امینی، تهران؛ ۱۳۷۸.
- سرمد، غلامعلی. روش های تدریس و هنر معلمی. انتشارات اشراق، تهران؛ ۱۳۷۶.
- شعبانی، حسن. مهارت های آموزشی روش ها و فنون تدریس. انتشارات سمت، تهران؛ ۱۳۸۵.
- صفوی، امان الله. کلیات روش تدریس. مرکز تربیت معلم، کد ۱۰۰۲.
- آقازاده، محرم (۱۳۸۱)، «کارنما ابزار ارزشیابی مستمر»، ماهنامه آموزش ابتدائی، سال ششم، شماره شش.
- بالغی زاده، ساسان، (۱۳۸۲)، «کارنما و نقش آن در یادگیری فعالیت مدار»، ماهنامه تکنولوژی آموزشی، دوره هجدهم، شماره ۱۳۴.
- چمن آرا، سپیده، آذرماه (۱۳۸۵)، «چه چیزهائی را ارزشیابی کنیم»، رشد راهنمائی تحصیلی، دوره دوازده، شماره ۵۳.
- خنیفر، حسین؛ نگاهی دوباره به روش ها و فنون تدریس، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲، چاپ دوم، ص ۶۰.
- رئیس دانا، فرخ لقاء، آذرماه (۱۳۸۱)، «ارزشیابی در عمل»، ماهنامه تکنولوژی آموزشی، دوره هفدهم شماره ۱۴۳.
- سیف، علی اکبر، (۱۳۸۱)، روشهای اندازه گیری و ارزشیابی آموزشی (ویرایش دوم)، نشر دوران.
- شریفان، احمد، اسفند (۱۳۸۲)، «ارزشیابی یادگیری از طریق شیوه های جدید سنجش»، ماهنامه تکنولوژی آموزشی، دوره هجدهم، شماره ۱۴۶.
- شریفان، احمد، آذرماه (۱۳۸۵)، «سنجش کلاس درس دقیق به دقیقه، روز به روز»، ماهنامه تکنولوژی آموزشی، دوره ۲۲، شماره ۱۸۰.
- شعبانی، حسن، (۱۳۸۰)، مهارتهای آموزش و پرورش، تهران، انتشارات سمت.
- لفرانسوای، گای، آر، (۱۹۹۱)، روانشناسی برای آموزش ترجمه فرجامی، (۱۳۸۰)، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
- یادگارزاده، غلامرضا، آبانماه (۱۳۸۴)، «یادگیری ساختن گرا»، ماهنامه تکنولوژی آموزشی، دوره ۲۱، شماره ۶۹.
- کاربرد روان شناسی در آموزشگاه، ص ۲۱۵ _ ۲۱۷.

نگاهی دوباره به روش ها و فنون تدریس، ص ۵۸.

نظارت و راهنمایی تعلیماتی، ص ۵۵.